

# سیاست و عمارت: معماری و سیاست میانه قاجار در آیینۀ دو اثر مکتوب از ممتحن الدوله

علمی ترویجی

محمد مهدی عبدالله زاده\*

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۶/۰۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۲۷

## چکیده

میرزا مهدی خان شقاقی، معروف به ممتحن الدوله، مهندس و سیاستمدار فرنگ‌رفته عهد ناصری و از چهره‌های شناخته‌شده این دوره است. وی دو اثر مکتوب با عنوان *خاطرات ممتحن الدوله* و *مآثر مهدیه* دارد که یکی خاطرات خودنوشت او و دیگری کتابی شناخته‌شده در حوزه سیاست خارجی است. جایگاه و فعالیت‌های ممتحن الدوله در حوزه معماری و سیاست و محتوای دو اثر او موقعیت مغتنمی است برای بررسی تا از طریق آن‌ها بتوان شناخت بهتری از دوره قاجار کسب کرد. این شناخت اگرچه از دریچۀ آثار و افعال ممتحن الدوله است و ممکن است به‌تمامی قابل تعمیم به عموم جامعه دوره قاجار نباشد، امکان شناخت و بازنمایی از زاویه‌ای خاص را فراهم می‌کند. همچنین این شناخت حول دو موضوع معماری و سیاست است. معماری و سیاست دو ساحت از زندگی اجتماعی انسان است که در هر دو آگاهی و اراده انسانی به ظهور می‌رسد و از این بابت به هم مرتبط است و مطالعه این دو در کنار هم می‌تواند احوال جامعه را بهتر آشکار کند. لذا هدف از این پژوهش بررسی معماری و سیاست در دوره حیات ممتحن الدوله از خلال آثار اوست تا از این طریق بتوان شناخت بهتری از احوال جامعه ایران در این پاره از زمان کسب کرد. این بررسی با محوریت دو اثر مکتوب میرزا مهدی خان شقاقی صورت می‌گیرد. روش پژوهش تحلیل موضوعی است. حاصل این پژوهش شناخت صفات و احوال جامعه این دوره است؛ صفاتی مانند نخواستگی و تقلید، فرنگی‌مآبی و ناخشنودی از آن، وطن‌دوستی و کاهش اعتماد و سرمایه اجتماعی، خدمت و خیانت. این صفات در مجموع از یک تضاد و تعارض درونی، به‌مثابه شاه‌بیت این دوره از نگاه ممتحن الدوله خبر می‌دهد. مقاله در چهار قسمت تنظیم شده است. پس از مقدمه، ابتدا ممتحن الدوله و دو اثر مکتوب او معرفی شده است. در بخش سوم، که بخش اصلی مقاله است، محتوا و مضامین دو اثر بحث و صفات و احوالی که از وضع معماری و سیاست قابل استخراج است، طرح و بحث و در انتهای مقاله جمع‌بندی شده است.

## کلیدواژه‌ها:

معماری، سیاست، قاجار، میرزا مهدی خان ممتحن الدوله، *خاطرات*، *مآثر مهدیه*.

\* استادیار، گروه معماری و شهرسازی، دانشگاه فنی و حرفه‌ای، تهران، mmabdollahzadeh@tvu.ac.ir

مطالعات معماری ایران

دو فصلنامه معماری ایرانی

شماره ۲۲ - پاییز و زمستان ۱۴۰۱

صفحات ۲۴۹-۲۵۵ ۲۵۵

## پرسش‌های پژوهش

۱. ممتحن‌الدوله، معمار و سیاستمدار عصر ناصری، در دو کتاب خود درباره معماری و سیاست چگونه سخن گفته؟
۲. با تحلیل کار و بار سیاست و معماری در آثار ممتحن‌الدوله، احوال جامعه ایران عصر او را از دریچه آثار او با چه صفاتی می‌توان وصف کرد؟

### مقدمه

معماری و سیاست دو ساحت به‌ظاهر متمایز از زندگی اجتماعی انسان است. با این حال این دو ساحت را باید بسیار نزدیک به هم دانست. سیاست ظهور اراده انسانی در مقیاس یک جامعه است. آنچه در مرکز سیاست است، نه شناخت امر طبیعی که وضعی است که در آن امر طبیعی و ضروری جای خود را به ظهور آگاهی و اراده انسانی و پدید آوردن نظمی جدید می‌دهد؛ موضوعی که در ساحت معماری هم موضوعیت و مرکزیت می‌یابد. به بیان دیگر، هر دو محصول دخالت آگاهانه و تلاش انسان برای بر ساختن محیط است و هر دو ساحت در نسبت با پدید آوردن یا ساختن وضعی یا امری جدید با اراده انسانی معنا می‌یابد. از سوی دیگر این دو ساحت به هم محتاج‌اند. امر سیاسی در «هنگامه‌ای رخدادگون» به ظهور می‌رسد و برای دوام خود در طی زمان به امری متجسم نیاز دارد. امر متجسم ناگزیر از «فرم» است و فرم موضوع معماری و هنر است (شهرستانی ۱۳۹۸ الف، ۴-۶). لذا نه تنها معماری و سیاست با هم پیوندی نزدیک دارند که احوال جامعه را از خلال واری این دو می‌توان شناخت. از این بابت پرداختن به این دو ساحت با هم امری مسبوق به سابقه است.

در این مقاله، قصد بر شناخت احوال جامعه ایران از خلال مطالعه احوال این دو ساحت زندگی است؛ لیکن این شناخت درباره پاره‌ای از زمان و بر مبنای منبعی خاص صورت می‌گیرد. دوره قاجار دوره‌ای خاص در معماری و سیاست ایران است. در این دوره از جمله نخستین مهندسان و سیاستمدارانی که به شیوه جدید آموزش دیده‌اند و به‌قولی درس «فرنگی» خوانده‌اند، در کار سیاست و مهندسی و معماری وارد می‌شوند. یکی از ایشان میرزا مهدی‌خان شقاقی ملقب به ممتحن‌الدوله از اولین مهندسان معمار ایرانی است که در فرنگ آموزش مهندسی دید.<sup>۱</sup> او بیشتر عمر خود را در دوره ناصرالدین‌شاه گذراند. هم، دستی بر سیاست داشت و هم معماری. میرزا مهدی‌خان پس از تحصیل به ایران بازگشت و در کنار فعالیت در وزارت امور خارجه آثار شاخصی در معماری از خود به‌جا گذاشت. این شخصیت، خود، موقعیت معتنی است که این دو ساحت را در آثار و بیانش گرد آورده و از این بابت بازگویی اوضاع این دوران خواهد بود. این پژوهش با اتکا به دو اثر مکتوب از او تنظیم شده است: *خاطرات* و *مآثر مهدیه*؛ دو کتاب ارزشمند که یکی زندگی‌نامه خودنوشت و دیگری اثری مدون در آداب سیاست بین‌الملل است.

روش مورد استفاده در این پژوهش روش تحلیل موضوعی<sup>۲</sup> است. جمع‌آوری و ثبت و برچسب‌گذاری<sup>۳</sup> داده‌ها و ارتباطدهی و معنایابی در آن‌ها از طریق مثلث‌بندی و استنتاج منطقی آن‌ها تکنیک‌های این روش است. برای معنایابی گاهی لازم می‌آید اطلاعات و نظریاتی خارج از متن را شناخت (Braun and Clarke 2006, 77).<sup>۴</sup>

درباره ممتحن‌الدوله و دو کتابش پژوهش‌هایی به چاپ رسیده است؛ از جمله مقاله‌ای به قلم نگارنده با عنوان «معمار دوره گذار: نگاهی به خاطرات ممتحن‌الدوله» که به بررسی محتوای مرتبط با معماری کتاب و وضع اندیشه‌های معمارانه ممتحن‌الدوله پرداخته است. مقاله «مآثر مهدی، نخستین اثر فارسی در قواعد دیپلماسی و حقوق بین‌الملل» نیز به معرفی محتوای کتاب *مآثر مهدیه* پرداخته است. این دو پژوهش به‌لحاظ هدف با پژوهش حاضر متفاوت، اما به‌لحاظ بعضی داده‌ها یاریگر است. درباره ویژگی‌ها و سبک معماری ممتحن‌الدوله نیز در تاریخ‌نامه‌های معماری معاصر ایران مواردی بیان شده است (بانی‌مسعود ۱۳۹۱، ۱۷۸-۱۸۱؛ قبادیان ۱۳۹۴، ۸۷-۸۰) که اغلب مختصر و نه‌چندان عمیق است. درباره معماری دوره قاجار تحقیقات و تألیفات زیادی انجام شده است. درباره اوضاع و احوال سیاسی این دوره نیز همین‌طور. با این حال فراهم آوردن شناختی آمیخته از سیاست و هنر یا سیاست و معماری از این دوره ماجرای متفاوت است.

در این زمینه نیز مطالعات متنوعی شده است؛ مانند «معماری در دربار سلطان صاحبقران» (نیکزاد و نظری ۱۳۸۶) و «تأثیر سیاست در هنر پیکره‌نگاری دوره قاجار» (چیت‌سازیان و رحیمی ۱۳۹۱). موضوع این مقاله از این قبیل تحقیقات متمایز است؛ چراکه حول شخصیتی خاص (میرزا مهدی‌خان) و آثار او شکل گرفته است. به‌علاوه در عین توجه به این دو ساحت می‌کوشد از خلال بررسی آثار ممتحن‌الدوله بازتابی از اوضاع و احوال جامعه آن روز حاصل کند. با این حال بررسی‌های پیشین می‌تواند بعضاً به‌لحاظ روشی و بعضی داده‌های جنبی راهگشا باشد.

## ۱. میرزا مهدی‌خان، خاطرات و مآثر مهديه ۱.۱. از شیطنت کودکی تا مهندسی عمارات سلطنتی

میرزا مهدی‌خان شقاقی ملقب به ممتحن‌الدوله از اولین مهندسان معمار ایرانی است که در سال ۱۲۶۳ق/ ۱۸۴۳م در تهران، در محله سنگلج، در خاندان شقاقی متولد شد. پدر او میرزا رضاقلی‌خان شقاقی در کارهای دیوانی و درباری بود و در زمان ناصرالدین‌شاه تاریخ‌نویسی نیز می‌کرد و به «تاریخ‌نویس ناصری» معروف شد؛ برهان جامع را تحریر کرد و پس از چندی وارد وزارت خارجه شد و تا سَمَت نیابت وزیر پیش رفت (شقاقی ۱۴۱۲ق، ۷۵). او از دوستان میرزا سعیدخان مؤتمن‌الملک وزیر امور خارجه زمان ناصرالدین‌شاه بود.

میرزا مهدی نخست در مکتب سرخانه تحصیل می‌کرد. پس از چندی، وارد مدرسه دارالفنون شد که در آن زمان تازه تأسیس شده بود. اندکی بعد، به‌سبب شور و شری که داشت، از مدرسه فرار کرد. در سال ۱۲۷۶ق/ ۱۸۵۷م (مطابق ۱۲۳۶ش) در اثر یک سلسله اتفاقات، به دردرس افتاد و در نهایت با وساطت میرزا سعیدخان وزیر خارجه، با اولین هیئت محصلین به فرانسه (پاریس) اعزام شد (ممتحن‌الدوله شقاقی ۱۳۶۲، ۳۵).<sup>۵</sup> این دوران به‌ظاهر در مجموع هشت سال به طول انجامید (همان، ۲۴۸). ابتدا دو سال تحصیلات مقدماتی را طی کرد و پس از شش ماه، امتحان مقدماتی ریاضی داد. پس از آن به مدرسه مرکزی «صنایع و کارخانجات»<sup>۶</sup> وارد شده و بعد از سه سال با دیپلم مهندسی «راه و پل‌سازی» فارغ‌التحصیل شد (همان، ۸۱-۸۰). البته او در جایی علاوه بر مدرسه صنایع مرکزی به مدرسه معماری پاریس نیز اشاره می‌کند (همان، ۲۳۹). با این حال توضیحی که درباره دروس و امتحان عملی می‌دهد، نشان می‌دهد رشته تحصیلی او ترکیبی از معماری و ساختمان است.<sup>۷</sup> میرزا مهدی‌خان بعد از اتمام تحصیلات متوسطه و اخذ گواهی‌نامه مهندسی در سال ۱۲۴۳ش/ ۱۸۶۴م به ایران بازگشت.

او در ایران دوران پرتلاطمی را پشت‌سر گذاشت و برای گذران زندگی حتی به کارگری و فعلگی روی آورد. مهارتش در کار معماری به او کمک کرد در اندک زمانی برای خود کاری بیابد و درآمدی کسب کند. پس از مدتی، با دیدار اتفاقی و بخشش میرزا سعیدخان وزیر، دوباره به جایگاه خانوادگی‌اش بازگشت. کارش چندان بالا گرفت که به خدمت ناصرالدین‌شاه رفت و برایش قصر فیروزه را طراحی کرد. در همان ایام به وزارت خارجه راه یافت. میرزا مهدی‌خان که آموزش مهندسی دیده بود، منشی و مترجم وزیر شد.<sup>۸</sup> البته تلاطم زندگی میرزا مهدی‌خان به همین جا ختم نشد و گهگاه به سعایتی گرفتار می‌شد و زحمتی می‌دید.

ممتحن‌الدوله بیش از ۲۵ سال در وزارت امور خارجه خدمت کرد. در طی این ایام، علاوه بر مترجمی وزیر، سمت‌ها و مأموریت‌های اداری دیگری هم عهده‌دار شد؛ از جمله نیابت دوم سفارت لندن، نیابت دوم وزارت امور خارجه (۱۳۰۰ق)، مستشاری وزارت امور خارجه، عضویت مجلس مشاوره (۱۳۲۹ق)، مأموریت ایتالیا برای خرید تخم ابریشم، مأموریت لندن برای قرارداد راه‌آهن حضرت عبدالعظیم، خدمت در سرحدات سیستان و افغانستان. همچنین کمیسری (مشاوره و نظارت) راه شوسه تهران - انزلی و نظارت مدرسه فلاح را مدتی بر عهده داشت (همو ۱۳۷۹، هفده). مدال‌های افتخار متعددی نیز دریافت کرد (الهی ۱۳۸۱، ۱۵). او سَمَت «مهندس باغات و عمارات سلطنتی» را نیز کسب کرد؛ اما آنچه‌آن که خود می‌گوید: «چون شهریه و علیق و حقوق نمی‌رسید، بنده هیچ‌وقت در آن خدمت حاضر نمی‌شد[م] و شغل افتخاری بود» (ممتحن‌الدوله شقاقی ۱۳۶۲، ۲۵۰).

ممتحن‌الدوله علاوه بر این سمت‌ها گهگاه کار معماری هم می‌کرد. موقعیت او به‌عنوان یک سیاستمدار و جایگاه

و حضورش نزد وزرا و درباریان سبب می‌شد کار طراحی و ساخت بناهای مهمی به او محوّل شود؛ مانند مدرسه و مسجد سپهسالار، عمارات و سرسرای بهارستان (اندرونی و بیرونی باغی که بعدها مجلس شورای ملی مشروطیت شد)، طرح عمارات وزارتخانه‌ها برای اطراف میدان ارگ (این طرح به علت برکناری میرزا حسین خان سپهسالار هرگز اجرا نشد)، خانه معتمدالسلطنه، خانه سعدالدوله، عمارتی برای میرزا سید موسی وزیر (بیرون دروازه قزوین)، خانه جدید میرزا سعیدخان وزیر. علاوه بر آن کارهای خرد دیگری هم گهگاه به او سپرده می‌شد. این فعالیت‌ها پراکنده انجام می‌شد؛ آنچنان که خود می‌گوید، گاهی تا چند سال کاری به او محوّل نمی‌شد و صرفاً به امور وزارت خارجه مشغول بود.

## ۲.۱. خاطرات مهدی‌خان و مآثر مهدیه

از ممتحن‌الدوله دو کتاب مهم به یادگار مانده است: یکی مآثر مهدیه، که مجموعه‌ای است از ترجمه و تألیف درباره «تاریخچه تشکیل وزارت امور خارجه و اصول نوین در روابط بین‌الملل» و درباره علم جغرافیا؛ دیگری خاطرات ممتحن‌الدوله که شامل زندگی‌نامه خودنوشت اوست. کتاب اول حاصل تجربیات و مطالعات او در طی این ایام در وزارت خارجه است و با هدف آشنا شدن و آموزش کارکنان وزارت خارجه درباره قوانین دیپلماسی و روابط و حقوق بین‌الملل تنظیم شده است. محتوای کل کتاب را می‌توان دو بخش کرد: بخش اول حاوی اطلاعاتی است که ممتحن‌الدوله درباره تعریف دیپلماسی، شکل‌گیری وزارت خارجه در کشورهای اروپایی، سازوکار این وزارتخانه و نقش وزیر و سایر اعضای وزارتخانه، حقوق بین‌الملل درباره تعامل میان کشورهای در صلح و جنگ، عمدتاً از کتب درسی اکل دیپلماسی<sup>۱</sup> فرانسه گرد آورده و ترجمه کرده است (ممتحن‌الدوله شقاقی ۱۳۷۹؛ الهی ۱۳۸۱، ۱۴). بخش دوم درباره جغرافیاست؛ ابتدا تعریف و تاریخچه‌ای از جغرافیا و سیر تغییر و تکامل و عاملان آن در طی تاریخ آمده و سپس جغرافیا از سطح کهکشان و کرات تا سطح بلوک‌ها و آبادی‌های سرزمین ایران توضیح داده شده است. جغرافیای زمین و خورشید و سیارات، اقوام و نژادها و نسب آن‌ها، نسب ایل قاجار و تاریخ آن‌ها — که به شرح یک دوره کامل از تاریخ ایران از زمان باستان و اساطیری تاکنون انجامیده — ذکر اقوام و دولت‌های سرزمین‌ها و قاره‌های مختلف، ذکر جغرافیای ایران شامل آب و هوا و کوه‌ها و رودها و حدود و جمعیت و قشون و ذکر بلوک و ایالات مختلف شامل جمعیت و جغرافیا و آداب و رسوم و زبان و درآمد و مالیات (ممتحن‌الدوله شقاقی بی‌تا). به نظر می‌رسد تدوین بخش دوم به سبب مواردی است که در بخش اول آمده است. در بخش اول ذکر شده که جزء ویژگی‌های محصل‌دانش «دیپلماسی» دانستن جغرافیای سیاسی و اقتصادی سرزمین‌ها و کشورهای مختلف است (همو ۱۳۷۹، ۱۲). بخش دوم قرار است چنین شناختی، به‌ویژه از ایران فراهم کند. کتاب دوم شرح احوال و افکار او از کودکی تا کهنسالی (زمان تألیف کتاب) است. کتاب در هفت فصل گرد آمده و هر فصل حاوی یکی از ادوار مهم زندگی میرزا مهدی‌خان است. او ضمن شرح وقایع زندگی خود، وضعیت اجتماعی و سیاسی مملکت و به‌خصوص تهران آن روز و اخلاق و رفتار و اوصاف مقامات دولت و درباریان و اعیان و اشراف زمان سلطنت ناصرالدین‌شاه را تشریح کرده است. از این بابت، کتاب مشحون از حاشیه‌های پرنرنگ‌تر از متن و اطلاعات متنوع است؛ از جمله اطلاعاتی درباره معماری و معماران<sup>۱۱</sup> و سیاستمداران.

در ایامی که ممتحن‌الدوله سرگذشت خود را می‌نوشت،<sup>۱۱</sup> پس از مشروطه، مصادف با اوایل جنگ جهانی اول (۱۹۱۴-۱۹۱۸م / ۱۲۹۳-۱۲۹۷ش) بود. علاوه بر وضع نابسامان ایران آن روز — که او را از ناراحتی‌های دامنگیر مردم رنجیده‌خاطر کرده بود (همو ۱۳۶۲، ۳۶) — پیشامدهای ناگوار و کشته شدن دو فرزندش، کیومرث مهدی‌قلی حصن‌السلطنه و محمدعلی شقاقی، بر تأثرات روحی او افزوده و او را بیمار و زودرنج کرده بود.<sup>۱۲</sup> ممتحن‌الدوله در سال ۱۲۹۹ش / ۱۳۲۷ق (۱۹۲۰م) در ۷۲ سالگی بر اثر شدت بیماری درگذشت و بنا به وصیتش در مقبره خانوادگی واقع در صفائییه حضرت عبدالعظیم در جوار مدفن پسرش کیومرث حصن‌السلطنه به خاک سپرده شد (همان، ۳۱۷).

ممتحن‌الدوله دو کتاب دیگر نیز تألیف کرده است: ۱. رجال وزارت خارجه در عهد ناصری و مظفری<sup>۱۳</sup> که درباره اعضای قدیم و عالی‌رتبه وزارت خارجه است؛ ۲. سخنان تاریخی بزرگان جهان و گوشه‌هایی از تاریخ باستان<sup>۱۴</sup> ترجمه مطالب گوناگون تاریخی و غیرتاریخی است و گویا عمده مطالب آن از دانشنامه بزرگ لاروس است. از قرار معلوم،



تصویر ۱: میرزا مهدی‌خان شقاقی  
ممتحن‌الدوله (ممتحن‌الدوله شقاقی ۱۳۶۲،  
۲۵۹)

## مطالعات معماری ایران

دو فصلنامه معماری ایرانی  
شماره ۲۲ - پاییز و زمستان ۱۴۰۱

ممتحن‌الدوله مقالاتی نیز در روزنامه/اخبار وقایع/اتفاقیه تهران و روزنامه عصر جدید داشته که از دست‌نوشته‌های آن تاکنون اطلاعی در دست نیست (الهی ۱۳۸۱، ۱۶). علاوه بر این‌ها اسناد حقوقی و دیوانی دیگری از وی موجود است که در زمینه اختلاف مالی خانوادگی و امور اداری و انتصابات دولتی است.

## ۲. احوال معماری و سیاست از نگاه ممتحن‌الدوله

ممتحن‌الدوله هم معمار بود و هم اهل سیاست. هم طرح و نقشه بنا می‌ریخت و هم در وزارت خارجه فعالیت می‌کرد. پیش‌تر گفتیم که چون او رجل سیاسی بود و موقعیت حضور در کنار بزرگان و درباریان را داشت، کارهایی بعضاً مهم به او ارجاع می‌شد؛ مانند ساختمان و مجموعه مجلس شورای ملی، مسجد و مدرسه سپهسالار، کاخ فیروزه. از نوشته‌های به‌جامانده از او، به نظر می‌رسد این‌ها دو ساحت مجزا از وجود او بودند. در هیچ‌یک از آثارش تلاش آگاهانه‌ای برای پیوند میان فعالیت سیاسی در وزارت خارجه با کار معماری برقرار نکرده است. او را نمی‌توان سیاستمداری دانست که درباره معماری سیاست‌گذاری کرده است؛ حتی در اعزام او نیز برنامه‌ای برای چنین هدفی دیده نمی‌شود. با این حال، پیوندهایی ناخواسته میان ساحت رَجُل سیاسی با مهندسی و فن معماری در زندگی او پدیدار است. ممتحن‌الدوله برای تحصیل مهندسی به اروپا رفت، اما از آنجا که با زبان و تمدن اروپایی آشنایی پیدا کرده بود، به استخدام وزارت امور خارجه در آمد و مترجم و کارمند وزارت خارجه شد. این وضعی کمابیش پرتکرار در دوره قاجار است. جمعیت معدودی که برای آموزش مهندسی به اروپا می‌رفتند و برمی‌گشتند، گروهی ممتاز، عموماً متناسب به مقامات سیاسی و درباری، تحصیل کرده و زبان‌دان محسوب می‌شدند که در جامعه آن روز کمیاب بودند. لذا اغلب علاوه بر کار مهندسی مشاغل دولتی و سیاسی مختلفی را عهده‌دار می‌شدند و یا دست به ترجمه یا تألیف کتبی در علوم مختلف می‌زدند؛<sup>۱۵</sup> و هم‌زمان دست‌اندر کار عمارت و سیاست می‌شدند.

### ۲.۱. استادکاری و نابلدی

اولین و آشکارترین بزنگاه تلاقی سیاست و معماری در آثار میرزا مهدی‌خان طراچی و اجرای بناهای حکومتی و مهم به دستور بزرگان سیاست است که درباره‌شان در خاطراتش یاد کرده است. او هم از بنا و ماجرای ساختش یاد می‌کند و هم از سیاستمدار بانی بنا و احوالش. ممتحن‌الدوله به طراچی دو مجموعه بنا اشاره می‌کند؛ یکی مجموعه عمارات بهارستان و دیگری مجموعه دولتی ارگ. اولی کمابیش به اجرا می‌رسد و دومی از طرحی روی کاغذ فراتر نمی‌رود. درباره میدان بهارستان و نقش سیاسی‌ای که در این دوره ایفا کرده بسیار نوشته‌اند (خاتم ۱۳۹۳؛ انوری و احمدی ۱۳۹۳). با این حال در *خاطرات ممتحن‌الدوله* صحبت چندانی در این موضوع نشده است. در عوض آنچه بیشتر بدان می‌پردازد، وصف احوال سیاستمداران و معماران مرتبط با آن است. میرزا مهدی‌خان شقاقی هم اوصافی از اوضاع و احوال دربار و درباریان و خوی و کارشان آورده و هم توضیحات و شواهد بسیاری درباره معماری و معماران در میان خاطرات اوست. به بیان دیگر، هم احوال درباریان را از خلال نقل‌های او می‌توان شناخت هم احوال معماران را. جالب است که در خاطرات او هر دو عموماً بدحال‌اند. ممتحن‌الدوله چند برخورد با استادکاران معمار را نقل کرده: در اولین کار فعلگی ساختمان،<sup>۱۶</sup> سر حوض بزرگ میدان ارگ،<sup>۱۷</sup> در هنگام ترسیم کروکی با استاد حسن قمی (ممتحن‌الدوله شقاقی ۱۳۶۲، ۲۵۷-۲۵۸)، در ساخت مسجد سپهسالار و عمارت بهارستان (همان، ۲۵۸-۲۶۱). جز استاد حسن قمی باقی را سخت ناتوان در کار خود یافته بود. عجیب آنکه ایشان نه در فن و حرفه جدید، بلکه در حرفه‌ای که مولود سنت فرهنگی - اجتماعی خود ایشان بود، کارنابلد بودند.

درباریان هم گرفتار چنین وضعی بودند. کتاب *خاطرات* پر است از نادانی‌ها و بدخواهی‌ها و خرابی‌های اهل سیاست در این دوران؛ مانند ماجرای عزل میرزا حسین سپهسالار (همان، ۲۴۱-۲۴۲)، ماجرای سفر ناصرالدین‌شاه (همان، ۲۵۱، ۲۵۴ و ۲۵۵)، ماجراهایی که برای خودش پیش آمده بود؛ مانند ماجرای عزل او از عضویت سفارت فوق‌العاده به سعایت نصرالله‌خان دبیرالممالک و ظلم علماءالدوله به او برای درخواست اجرت نصب یک تلمبه (همان، ۲۴۰-۲۴۶) و ماجراهایی دیگری که مشابه آن را در دیگر کتب تاریخ آن دوره می‌توان یافت. در روایت او از ایران آن روز، بسیاری از درباریان در



کار خود قصور دارند و اهل زور و تزویرند. معماران هم اغلب از دانستن مهارت‌های اولیه در انجام کار خود قاصرند و به ترفند و کلک کار خود را به پیش می‌برند. فتور در سیاست و معماری آن دوران آشکار است. اگر از توصیف او فراتر برویم، در ویژگی‌های فنی مسجدمدرسه سپهسالار هم می‌توان شواهدی از این امر یافت. گنبدخانه مسجد سپهسالار گنبدی خاص در سنت گنبدسازی معماری ایران است و ساختاری متفاوت از گنبدهای پیشین دارد. ساختار سازه‌ای فرمی گنبد گرایش به گنبد‌های مساجد عثمانی دارد. لذا این گنبد اگرچه نسبت به گنبد‌های پیشین دهانه چندان عظیمی ندارد،<sup>۱۸</sup> در سنت معماری ایران نوآورانه محسوب می‌شود. با این حال، در عین نوآوری در فضا سازی، به سبب ضعف‌ها و نقایص سازه‌ای و عدم انتقال مناسب نیروها و موارد دیگری مانند ناترازی دهانه‌ها در طی ادوار مختلف، مرمت‌های متعددی برای جلوگیری از تخریب آن انجام شده است (شهرستانی ۱۳۹۸، ب، ۱۲۴؛ پارسی ۲۰۱۹). به این موضوع مجدداً خواهیم پرداخت.

## ۲.۲. خدمت و خیانت

میرزا حسین خان سپهسالار کارفرمای مهم‌ترین آثار معماری ممتحن‌الدوله و یکی از اثرگذارترین شخصیت‌های سیاسی در زمان حیات اوست. از این بابت شخصیتی درخور مطالعه است. سپهسالار از شخصیت‌هایی است که درباره‌اش بسیار نوشته‌اند؛ بعضی در ذم او و بعضی در مدح او. اهل مذمت از خیانت‌هایش نوشته‌اند (ر.ک: نوری ۱۳۸۳) و اهل مدح درباره تلاش‌های او برای اصلاح ساختارهای سیاسی و نوگرایی در سازوکارها گفته‌اند (انوار ۱۳۸۵، ۲۱-۲۲؛ دامغانی ۱۳۸۳). چنین دوگانگی‌ای درخور تأمل است.

سپهسالار در خاطرات مهدی‌خان هم حضور دارد و مهدی‌خان برایش احترام قائل بوده و گهگاه او را ستوده است (ممتحن‌الدوله شقاقی ۱۳۶۲، ۱۸۲). در عین حال، در خاطراتش نقدهایی جدی بر او دارد. در نظر ممتحن‌الدوله میرزا حسین‌خان شخصی زیرک بود و گویا همین زیرکی‌اش سبب شد امیرکبیر او را به سفارت ایران در هند بفرستد (همان، ۱۱۱). او سال‌های زیادی در اسلامبول عثمانی وزیرمختار بود و اثر تحولات اروپا بر عثمانی را دیده بود. بعضی خدمات سیاسی شامل سازمان‌دهی دوباره وزارت عدلیه و اصلاح قوانین قضاوت، تلاش برای بازترمیم قشون به‌شیوه امیرکبیر، تلاش برای ایجاد «پارلمان» که بعدها در همان عمارت بهارستان او جای گرفت، در خاطرات ممتحن و بعضی تاریخ‌نامه‌ها ذکر شده است. با این حال کارش در امتیاز دادن به اروپاییان، در ماجرای قرارداد پرآوازه رویتر، به آنجا می‌کشد که مهدی‌خان درباره‌اش می‌گوید: «اول کسی بود که واسطه شد امتیاز به خارجه فروخته شود و راه فروش امتیاز را به میرزا علی‌اصغرخان اتابک گشود که آن بدبخت اگر در این مقام برای چند سال باقی مانده بود، فقط هوای ایران برای ایران باقی می‌ماند» (همان، ۱۱۳). نقدهای میرزا مهدی‌خان به همین جا ختم نمی‌شود و بعضی نیرنگ‌ها و تلاش‌های او را برای کسب مال و مقام از کارداری تا سپهسالاری نقل می‌کند (همان، ۱۱۱-۱۱۳ و ۲۵۵-۲۵۸).

اگر در نقل‌های مهدی‌خان و امثال او جست‌وجو کنیم، مشابه شخصیت سپهسالار در این دوره کم نیست؛<sup>۱۹</sup> شخصیت‌هایی که هم در خدمت و هم در خیانتشان گفته‌اند و این داوری را درباره‌شان مشکل می‌کند. اگر به توصیفات ممتحن‌الدوله رجوع کنیم، به نظر می‌رسد بیش از همه طرد درونی و بی‌زاری از جامعه و امر «خودی» در این وضع مؤثر است. سپهسالار از جامعه خود و آنچه به‌مثابه سنت اجتماعی در جریان است، بیزار می‌شود، آن‌ها را خالی از حیات و خرد و حکمت می‌بیند و در مقابل، جامعه دیگری را با آورده‌های بسیار و مظاهر تمدنی پیشرفته می‌یابد و تحولات آن سوی آب‌ها را می‌بیند و می‌ستاید. طبیعتاً انسان‌های جامعه خودی در نظر او پست می‌شوند (همان، ۱۱۱-۱۱۳ و ۲۵۵). حتی خود ممتحن‌الدوله در مواجهه با معمار حسن قمی، هم به همین حال دچار است. او ابتدا به‌تعبیر خودش به‌سبب احوال «فرنگی‌مآبانه» که به‌سبب سفر و تحصیلش در فرنگ در آن زمان بر او حاکم بود، به دیده پستی به استاد حسن می‌نگرد و بعد که توانایی او را در کار و طرح می‌بیند، از این حال بیرون می‌آید (همان، ۲۵۶). احوال او احوال کسی است که از یک‌سو تحولات سرزمین‌های دیگر را می‌بیند و مایل به رواج آن‌ها در سرزمین خود است و از سوی دیگر سرزمین خود را فروتر می‌انگارد. او در ضمن دیدن این تحولات و وضع سرزمین

خود به گرفتاری‌های درونی دچار می‌شود. احوال و رفتار چنین کسی با تحقیر جامعه خودی و ستایش جامعه دیگری و تلاش برای شبیه کردن جامعه خودی به جامعه دیگری همراه است. در این وضعیت، در عین تلاش برای به‌روز کردن وضع جامعه، به بعضی توافقات جمعی و احترام به جامعه خود و حتی منفعت جمعی جامعه خود تا حدی بی‌اعتنا می‌شود؛ گویی نسبت روشنی با جامعه خودی ندارد. این همان وضعی است که آن را خودبیگانگی و خودتحقیری می‌نامند. خودبیگانگی حاصل عدم تطابق وضع فرد با جامعه است. جالب توجه آن است که این حال را با احساس ناامنی،<sup>۳۱</sup> کاهش سرمایه اجتماعی و اعتماد و پابندی به منافع اجتماعی همراه می‌دانند و آن را در مقابل نگرش اخلاقی می‌دانند؛ وضعی که، برعکس، هر کس در آن میان منافع خود و دیگران توازن برقرار می‌کند. رشد اخلاقی جامعه در گذر از خودخواهی به دگرخواهی و درک صحیح این رابطه معنی می‌شود (نبوی، نواح، و امیرشیرزاد ۱۳۹۳، ۱۳۳).<sup>۳۲</sup> این اوضاع ضعف در اداره امور و کارهای خرد و کلان را به همراه دارد. این وضع را در توصیف ممتحن‌الدوله از خودخواهی‌ها و خرابکاری‌های اهل سیاست — که پیش‌تر اشاره شد — می‌توان یافت. در فرایندهای ساخت‌وساز ابنیه هم می‌توان یافت؛ آنچنان که در توصیف خاطرات ساخت مسجد و مجموعه سپهسالار نقل می‌کند. او تلاش می‌کند برای ساخت مهم‌ترین عمارتی که به او سپرده شده، ماهرترین استادکار را بگمارد؛ لیکن آقا وجیه سپهسالار ثانی به جهت منفعت شخصی «این خدمت معماری را از او سلب نمود و به معماران خود رجوع نمود [...] متأسفانه در ایران در هر زمان کارها به واسطه و به وسیله اشخاص نادان و منفعت‌پرست پیش رفته و می‌رود و عموم اعمال مملکتی و شخصی به غلط می‌گذرد» (ممتحن‌الدوله شقاقی ۱۳۶۲، ۲۵۶-۲۵۸).

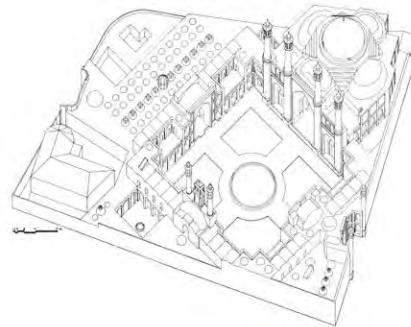
### ۳.۲. نوخواهی و تقلید

فرستادن میرزا مهدی‌خان به فرانسه و تدوین کتاب مآثر مهدیه تلاش‌هایی است برای نو شدن و به‌روز کردن دانش معماری و دانش سیاست در دوره قاجار. کتاب مآثر مهدیه از تلاش دستگاه سیاست خارجی در آن زمان خبر می‌دهد برای آنکه خود را بر مبنای معیارهای جهانی سامان دهد و سازوکارهای نو در روابط بین‌الملل را بیاموزد و به کار بندد. این کتاب البته عمدتاً مربوط به عمل سیاست بوده؛ مواردی مانند آداب مراودات و ملاقات سیاسی و نحوه ترک مخاصمه و سازمان و اتاق‌های وزارت خارجه، اموری کاربردی و قواعدی سردستی در سیاست خارجی است. این نگاه را می‌توان در نقل‌های ممتحن‌الدوله از سیاستمداران یافت. در ذکر میرزا جوادخان سعدالدوله، آخرین وزیری که ذکرش در کتاب رجال وزارت خارجه در عهد ناصری و مظفری آمده، از او نقل می‌کند که «ایران جز به معلمین نظام و معدن، دیگر احتیاجی به اروپاییان ندارد. دوایر دولت به دست ایرانی باید اداره شود؛ و به جای استخدام از خارجه، رشوه و تملق را باید اخراج کرد و مجازات دایر نمود تا کار به مجرای صحیح بازگردد» (همو ۱۳۶۵، ۱۲۲). لذا می‌توان دید به‌رغم سخنان به‌ظاهر سنجیده سعدالدوله، نگاهی صرفاً سردستی و روبنایی به جریان دانش و فن میان اروپا و ایران داشت.<sup>۳۳</sup>

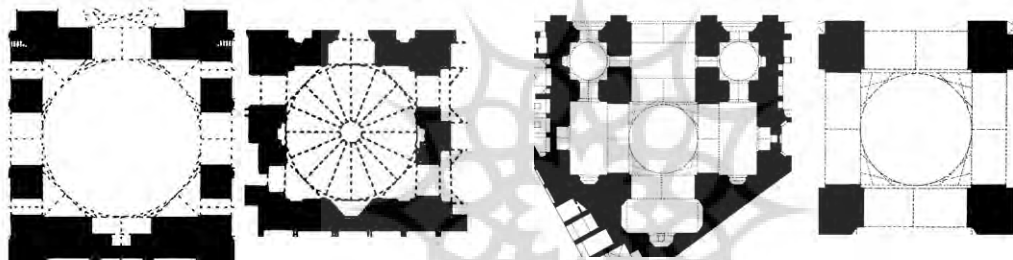
مشابه همین وضع را آموزش‌گیرندگان علوم مهندسی و ساختمان و معماری دارند. نمونه قابل تأمل نوخواهی در معماری، اثر ممتحن‌الدوله، مسجد سپهسالار است. این بنا اگرچه در نگاه اول مشابه سایر مسجدمدرسه‌های پیش از خود می‌نماید، از حیث فرم و سازه گنبد و تعدد منار و بعضی عناصر فرمی و آرایه‌ای دیگر خبر از تحولات مهمی در نگاه طراح و سازنده‌اش می‌دهد. پلان چلیپایی، فضای تماماً گشوده گنبدخانه، تغییر شکل گنبد و محل و شکل جرزها خبر از نوآوری‌هایی در معماری می‌دهد. همین امر سبب شده است نظام توزیع نیرو تغییر کند و جرزهای باربری که توزیه‌ها را نگه می‌دارند به حداقل اندازه خود و دهانه توزیه‌ها به حداکثر اندازه خود برسد. به نظر می‌رسد این نوخواهی در فرم و تغییر نحوه انتقال نیرو برای رسیدن به فرمی نو و فضایی به‌غایت گسترده و وسیع، شبیه مساجد عظیم عثمانی در اسلامبول است (سجاذزاده و دیگران ۱۳۹۶)؛ شهری که ممتحن‌الدوله چندین سفر به آنجا داشت و مهم‌تر از آن، میرزا حسین سپهسالار مدتی نسبتاً طولانی را آنجا به سر برده و در کنار اثر تحولات اروپا در آن سرزمین مساجد عظیم آنجا را دیده بود. علاوه بر این‌ها، طرح سفارت ایران در اسلامبول را، زمانی که سپهسالار سفیر ایران در آنجا بود، میرزا مهدی‌خان کشیده بود (ممتحن‌الدوله شقاقی ۱۳۶۲، ۱۸۱-۱۸۲).



تصویر ۳: عکس مسجد سلطان احمد (Archnet). گنبد با پشت‌بندهایی به صورت نیم‌گنبد برای مهار رانش اجرا شده است.



تصویر ۲: سه‌بعدی مدرسه سپهسالار (حاجی قاسمی ۱۳۷۷، ۹۴). ساختار سازه‌ای گنبدخانه تا حدودی متفاوت از شیوه‌های مرسوم ساخت گنبد در ایران است و مشابه ساختار آبخار گنبد مساجد عثمانی، رانش گنبد عمدتاً با نیم‌گنبد‌های جانبی مهار می‌شود.



تصویر ۵: ساختار دو نمونه مرسوم گنبدخانه در سنت معماری ایران؛ گنبد مسجد جامع اردستان (راست)؛ گنبدخانه مسجد جامع عباسی (چپ) (حاجی قاسمی ۱۳۸۳، ۳۶؛ ۱۳۷۵، ۳۴)

تصویر ۴: ساختار گنبدخانه مدرسه سپهسالار؛ به حداقل رسیدن جرزها در کناره‌ها برای گشودگی حداکثر گنبدخانه به اطراف در این طرح مشهود است (حاجی قاسمی ۱۳۷۷، ۹۶).

این ته‌وَر و نوآوری آمیخته به تقلید است. بسیاری از آثاری که ممتحن‌الدوله از آن‌ها یاد یا آن‌ها را طراحی کرده، اصلاً تلاشی است برای تقلید و بازآفرینی اموری که در پیشینه معماری ایران نایاب ولی بیرون از آن موجود و ای بسا رایج است. از این بابت تلاش امثال او برای تلفیق معماری غیر ایرانی (اعم از غربی و عثمانی) با معماری ایرانی را می‌توان تلاش برای بازآفرینی آن امور غریب در بستر آشنا دانست؛ موضوعی که خلوت خاصی به آثار این دوره داده و بعضاً مورد ستایش مورخان هنر و معماری است. با این حال، همین امر در مسجد سپهسالار سبب خلل در نظام انتقال نیرو از گنبد به پی‌ها شده و برای بنا هزینه‌بر بوده و باعث شده خیلی زود در معرض آسیب قرار گیرد<sup>۲۴</sup> و مرمت‌های متعددی در طی عمر ۱۵۰ ساله این بنا، برای جلوگیری از آسیب و فروریختن آن شده است؛ گویی اقتباس یا ایده‌ای تازه و در عین حال خام و سطحی بوده که در فن ساختمان و طراحی معماری نیاز به رشد داشته است.

بنا به توصیف‌های پراکنده ممتحن‌الدوله و آثاری که از این دوره مانده، معماری تغییراتی کرد. شیوه طراحی و ترکیب حجم و پر و خالی و طرح پله‌ها و بعضی اجزای بناها و خانه‌های بعضی اعیان و سیاستمداران دگرگون شد. ابزار ساخت نیز تغییراتی کرده بود و با حضور مهندسان جدید، تکنیک‌ها و ابزارهای تازه‌ای آمده بود.<sup>۲۵</sup> حتی ابزار طراحی و شیوه ترسیم نقشه نزد معماران سنتی با مهندسان فرنگ‌رفته متفاوت شد. نقشه‌های طوماری و ترسیم‌شده بر صفحه شطرنجی و تخته رسم، به نقشه‌هایی با شکل و شمابلی متفاوت تبدیل شد. این‌ها همه خبر از نیاز به گسترش آموزشی جدید در این زمینه می‌داد. اگرچه تلاش‌هایی پراکنده برای گسترش آموزش در حوزه مهندسی و معماری را می‌توان در این دوره یافت،<sup>۲۶</sup> عملاً تا اوایل دوره پهلوی این تلاش‌ها به تحول خاصی در حوزه آموزش دانش معماری و خروجی نظام‌مند از آن نینجامید.<sup>۲۷</sup>



در مقابل، در همین دوره برای اولین بار پیشنهاد تأسیس مدرسه علوم سیاسی را میرزا مهدی خان ممتحن‌الدوله داد (کلهر و شاه‌آبادی ۱۳۹۱) و سبب شد آداب و موازین اجرایی روابط دیپلماسی آموخته شود. میرزا مهدی‌خان مدرسه علوم سیاسی راه انداخت، اما به آموزش مهندسی و معماری وارد نشد. به نظر می‌رسد ممتحن‌الدوله بیشتر مشغول یا دل‌بسته وزارت خارجه بود تا کاروبار معماری. عمده خاطرات او معطوف به مأموریت‌های وزارت خارجه است تا پروژه‌های معماری. کتاب‌ها و آثار مکتوب او (مأثر مهدیه و رجال وزارت خارجه در عهد ناصری و مظفری) هم عمدتاً مرتبط با وزارت امور خارجه است. او گاهی سال‌ها از کاروبار معماری دور بود.<sup>۳۸</sup> لذا به‌رغم پیشنهاد مدرسه علوم سیاسی، پیشنهاد مشابهی برای آموزش معماری نداد. به نظر می‌رسد این عدم تحول جدی در آن برهه را می‌توان ناشی از احوال اجتماعی آن روز دانست. وزارت خارجه و سیاست خارجی مواجهه‌های گریزناپذیر با دولت‌های اروپایی و ایجابات ناشی از آن داشت. لذا احتمالاً ناچار از توسعه و نوسازی دانش خود، ولو سطحی بود؛ وضعیتی که برای معماری ظاهراً چندان موضوعیت نداشت. در خاطرات ممتحن‌الدوله — در مقام مهندسی فرنگ‌رفته و اثرگذار — تغییر و تحولات معماری به توصیفاتی پراکنده از چند بنا با طراحی و ساخت اجزایی نو خلاصه می‌شود. در مجموع، آنچه از بررسی آثار و تجربه ممتحن‌الدوله به چشم می‌آید، نواحی سراسیمه و آمیخته به اقتباس و تقلید در معماری و سیاست است که عمدتاً معطوف به ساحت عمل و امور سردستی است.

## ۴.۲. تاختن فرنگی مآبان بر فرنگی مآبی

میرزا مهدی‌خان به سرزمین و فرهنگ آبا و اجدادی‌اش سخت دل‌بسته بود. هم در مؤثر مهدیه و هم در خاطرات ممتحن‌الدوله می‌توان این دل‌بستگی را به‌کرات یافت. او در خاطرات خود از فرنگی‌مآبی و علاقه بعضی به آداب فرنگیان و دوری ایشان از آداب مسلمانی گلایه و توصیه به پایبندی به «عادات و اخلاق و شریعت» خودمان می‌کند و حتی امیدوار است با پایبندی به آیین مسلمانی، روزی ملت ایران از آن خواری و مذلت‌رهایی یابد (ممتحن‌الدوله شقاقی ۱۳۶۲، ۹۸-۹۷، ۱۰۵ و ۱۰۶). او مشابه همین اظهارات و گلایه‌ها را در آغاز کتاب دیگرش، رجال وزارت خارجه در عصر ناصری و مظفری بیان می‌کند؛<sup>۳۹</sup> چندان که حتی با نوشته‌های ستایش‌آمیزش در مؤثر مهدیه هم متعارض است. ممتحن‌الدوله این اظهارات را در اواخر عمر و پس از وقوع انقلاب مشروطه نوشته است؛ یعنی هنگامی که فرنگی‌مآبی در پایتخت رونق دارد.

در بخش دوم مؤثر مهدیه، هنگام شرح جغرافیا و حدود و آب‌وهوای ایران، به این آب و خاک می‌نازد و آن را منشأ تمدن و قدرت و سرچشمه علم و تربیت در جهان می‌داند. خاک آن را به‌غایت بارور و هوایش را خوش و بارانش را نافع می‌شمارد و اهالی این سرزمین و آب و خاک را بی‌همتا و شجاع و برتر از اهل اروپا می‌داند. برتری بی‌چون‌وچرای ایرانیان نه‌فقط بر خود آن‌ها که بر هر سیاح و جهانگردی آشکار است.<sup>۴۰</sup> به این ترتیب ممتحن‌الدوله تلاش می‌کند در ضمن بررسی جغرافیا، نوعی حس وطن‌دوستی و غرور ملی را به خواننده‌اش منتقل کند؛ آن‌هم در زمانه‌ای که همه ارکان مُلک و ملت دچار فتور و عموم خُرد و کلان مرعوب فرنگیان است و مرزهای جغرافیایی و فکری این سرزمین را فرنگیان تحدید می‌کنند. شاید جغرافیا عرصه‌ای است که آموزش مهندسی و دیپلماسی برای ممتحن‌الدوله به هم می‌رسد و ضمن تصویر کردن دوباره وطن می‌تواند این عقاید را بیان کند. این گرایش در میان تحصیل‌کردگان قجری نمونه‌های مشابهی دارد (کاشانی ثابت ۱۳۷۷، ۱۶ و ۱۷).

علاوه بر این، گرفتاری دیگری در کار است. چنین سرزمین و مُلک و ملتی با چنین استعدادی، چگونه و بر چه مبنایی قرار است تربیت و ترتیب یابد و شکوه دوباره خود را بازیابد؟ این دوران آغاز اعزام کسانی به اروپا برای آموختن علم و فن بود؛ لیکن دانش‌آموختگان فرنگ عموماً با رفتار و اطوار فرنگی بازمی‌گشتند؛ حتی خود ممتحن‌الدوله هم گهگاه رفتارهای فرنگی‌مآبانه داشت (ممتحن‌الدوله شقاقی ۱۳۶۲، ۲۲۰). در درس این رفتارها چندان بالا گرفت که نارضایتی شاه و توقف اعزام محصلان را در پاره‌ای از زمان در پی داشت (همان، ۱۰۷)؛ گویی از این تحصیل‌انتظاری بود که برآورده نشد. اما گرفتاری ممتحن‌الدوله و بسیاری مانند او فراتر از تغییر رفتار و آداب ظاهری است. مؤثر مهدیه، کتابی که ممتحن‌الدوله — این مرد وطن‌پرست و متمایل به آداب مسلمانی — در باب سیاست نوشته، یکسره ترجمه‌ای از

تألیفات فرانسوی است. او آداب سیاست را نعل به نعل از فرنگیان اخذ کرد و در این کتاب گرد آورد. بخش دوم کتاب و دانش جغرافیا و تاریخ جغرافیاشناسی اش را هم یکسره بر مبنای تتبعات اروپاییان نوشته است. برای همین در تاریخچه او جغرافی دانان مسلمان و وطنی بیش از نیم صفحه و چند نام ناقص جایی ندارند. او از آرای بیرونی و خوارزمی و اصطخری و بسیاری دیگر خبر نداشت؛ چون خبر و دانش خود درباره گذشته وطن خود را هم از فرنگیان کسب می کرد. در معماری هم چنین بود. پسند او و بسیاری از صاحب نامان همعصرش آمیخته و آموخته اسلوب اروپایی بود و آن را می ستود. اصلاً معماری غربی از طریق ساخت و سازهای رجال سیاسی ای مانند او پای خود را به ایران باز کرد. اروپاییان مردمان شاخص و بارز روزگار بودند و تقلید کار ایشان نشانه پیشرفت بود.<sup>۳۱</sup>

ترتیب و تربیت ممتحن الدوله چه در معماری و چه در سیاست فرنگی مآبانه بود و خود بر فرنگی مآبی معترض. او حتی برای این اعتراض خود هم به عالمان آن سوی عالم استناد می کرد. این تعارض را چگونه می شود پاسخ گفت؟ وقتی تمام حدود جغرافیایی و فکری و فرهنگی و علمی این سرزمین مبتنی بر رأی و عمل فرنگیان است، چگونه می توان بر «فرنگی مآبی» شورید و از پایبندی به «عادات و اخلاق و شریعت خود» سخن گفت؟ این پرسش بی جوابی است که گویا دامنه اش تاکنون ادامه یافته است.

## نتیجه

این پژوهش جست و جویی بود در آثار ممتحن الدوله درباره سیاست و معماری برای شناخت احوال جامعه ایرانی در پاره ای از زمان قاجار. از دل این بررسی چند وصف حاصل شد: ناکارآمدی و نابلدی در فن و پیشه برخاسته از سنت فرهنگی ایران، در میان معمارانی که همیشه در این فن سرآمد بودند؛ خودیگانگی و کاهش سرمایه اجتماعی در عین شعارهای وطن دوستانه که به افزایش گسست ها و رفتارهای متناقض منافع جمعی دامن می زد؛ نوحوهی و نوگرایی تا حدی سراسیمه و تقلیدی؛ فرنگی مآبی همراه با شوریدن بر آن. همه این صفات در یک امر مشترک اند: تضاد درونی و دوگانگی. میرزا مهدی خان در میان انبوهی از دوگانگی ها و تعارض ها می زیست. این دوگانگی ها و تعارض ها در رأی و عمل او دیده می شد و به سرگستگی و کشمکش هایی در او می انجامید که در آثار مکتوب او بازتاب می یافت. گاهی حتی خودش بر این اوضاع می شورید؛ اما رهایی از آن نداشت. این صفات برخاسته از نگاه میرزا مهدی خان و درک او از مقوله سیاست و معماری است. او به واسطه تحصیل معماری در فرنگ، کار در دربار و وزارت خارجه، سفرهای متعدد به خارج از ایران نگاه و تجربه ویژه ای درباره سیاست و عمارت آن دوران داشته است. در خاطرات ممتحن الدوله به خوبی می شود نگاهی را دید که هم از علاقه اش به موطن می آید و هم از ارادتش به فرنگ. در ارتباطش با استادکاران و کارفرمایان و آثار معماری و همین طور درباریان و رجال سیاسی و اداره امور هم می توان این حالت را یافت. این موضوع برآمده از شخصیت ویژه و جایگاه خاص اوست و می توان در طبقه خاصی که احوال و تجربیات مشابه او دارند، جست و جو کرد. به علاوه امثال ممتحن الدوله شخصیت هایی اثرگذار بر جامعه خود بودند، لذا می توان احتمال داد دیگر گروه های جامعه ایران در آن دوران از این صفات خالی نبوده باشند — همچنان که در توصیفات اواخر خاطرات در جامعه ایران آن روز، فرنگی مآبی به مثابه امری کمابیش رایج درآمده بود. می توان این احوال را بر متون و اسناد دیگر — از جمله دیگران محصلان و سیاستمداران فرنگ رفته — و همچنین ساحت های دیگر زندگی در این دوره عرضه کرد و چگونگی تحقق امور و میزان فراگیری این احوال و صفات را در میان طبقات و گروه های گوناگون جامعه و ساحت های مختلف زندگی ایشان در آن دوران سنجید.

## پی نوشت ها

۱. در بعضی منابع میرزا مهدی خان را نخستین آرشیتکت یا معمار ایرانی می دانند که در فرنگ درس معماری خواند. با این حال، قبل از او چندین نفر دیگر، از جمله میرزا رضامهندس، در زمان فتحعلی شاه به دستور عباس میرزا برای تحصیل در رشته قلعه سازی و ساخت استحکامات به اروپا (انگلستان) اعزام شد. بعضی او را نخستین معمار درس خوانده در فرنگ می دانند (ر.ک: کریمیان ۱۳۸۰).

## 2. Thematic Analysis

### 3. Coding

۴. روش تحلیل موضوعی به‌طور خاص برای مواجهه با اسناد و مدارکی که از یک محقق یا نویسنده باقی مانده بسیار پرکاربرد است و در رشته‌های علمی مختلف کاربرد دارد. روشی است نه‌چندان روشن که به‌ندرت به بیان می‌آید ولی از پرکاربردترین روش‌های تحلیلی است. راهی منعطف و در دسترس برای تحلیل اطلاعات کیفی (Braun and Clarke 2006, 77). این روش در نگاه اول قرابت بسیاری با روش تحلیل مایگانی (Content Analysis) دارد. در هر دو روش داده‌ها جمع‌آوری و برچسب‌گذاری می‌شوند. اما در روش تحلیل موضوعی به بررسی و تحلیل داده‌های کیفی می‌پردازند و در روش تحلیل مایگانی به داده‌های کمی. طبیعتاً تحلیل‌هایی که در نتیجه هر کدام حاصل می‌آید از این نظر با هم متفاوت است (Vaismoradi, Turunen, and Bondas 2013, 400).

۵. فصل اول کتاب *خاطرات ممتحن‌الدوله* عموماً ذکر شیطنت‌های کودکی‌اش است. سفر او به پاریس نیز نتیجه یکی از همین شیطنت‌هاست. میرزا مهدی بر اثر مزاحمت یکی از فراشان شاهی در راه رفتن به مکتبخانه با تپانچه به صورت وی شلیک می‌کند. ابتدا قرار می‌شود دستش را قطع کنند؛ اما بعد با وساطت و پیشنهاد بعضی درباریان برای تحصیل و خدمت به میهن و دولت به فرانسه اعزام می‌شود.

### 6. Ecole Centrale des Arts Et Manufactures

ممتحن‌الدوله در معنای کلمه Arts از لغت «صنایع» استفاده کرده است. در مقدمه‌ای که فرزندش در ابتدای کتاب درباره‌ی وی نوشته، نام مدرسه عالی «اکل نورمال - سوپریور دوپاری» (Paris de Superieure Normale ecole 'L) آمده است. ۷. کلاس‌های ایشان چهل نفر شاگرد داشت و هر صبح با «لباس عمله‌ها» (روپوشی آبی‌رنگ بر روی جلیقه و شلوار) در هر کلاس آموزش عملی می‌دیدند. در انتهای هر سال از همه مفاد درسی امتحان می‌دادند؛ از جمله امتحان عملی که شامل طراحی نقشه یک بنا به‌طور کامل می‌شد، به‌نحوی که اگر نقشه به دست مجری داده شود، از حضور مهندس معمار (آرشیئتکت) مستغنی باشد (ممتحن‌الدوله شقاقی ۱۳۶۲، ۸۰-۸۱).

۸. در فصل چهارم *خاطرات ممتحن‌الدوله* مشروح ماجراهای پس از بازگشت آمده است.

### 9. Ecole Diplomaci

۱۰. درباره‌ی اطلاعات معماری کتاب به مقاله دیگری از نویسنده با این مشخصات ر.ک: عبدالله‌زاده، محمد مهدی. ۱۳۸۸. «معمار دوره گذار: نگاهی به خاطرات ممتحن‌الدوله». *گلستان هنر*، ش. ۱۵: ۶۳-۵۳؛ همچنین ر.ک: گراوندپور، محمدرضا. ۱۳۸۹. *فرهنگنامه معماری میرزا مهدی خان شقاقی (ممتحن‌الدوله): مدخلی بر فرهنگنامه معماری دوره قاجار*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد مطالعات معماری ایران، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.

۱۱. آنچنان که خود ممتحن‌الدوله می‌گوید تاریخی که تصمیم به نوشتن این مجموعه می‌کند، ذی‌قعدة ۱۳۳۳ ق (مطابق بهمن ۱۲۹۲ ش / فوریه ۱۹۱۴ م) است (ممتحن‌الدوله شقاقی ۱۳۶۲، ۵۴).

۱۲. کیومرث مهدی قلی‌مازور حصن‌السلطنه ضمن مأموریت از طرف ژاندارمری کل کشور در کاروان‌سرای نزدیک یکی از دهات بین راه اراک در سال ۱۹۱۱ م / ۱۲۹۰ ش توسط یک کمونیست معروف، و محمدعلی شقاقی در فرانسه در ابتدای جنگ جهانی اول در سنگرهای جبهه آمین در ۱۹۱۴ م / ۱۲۹۲ ش بر اثر اصابت گلوله‌های توپ آلمانی کشته شدند. مرگ سومین فرزند تحصیل‌کرده او نیز، موسوم به سرهنگ حسنعلی شقاقی، در وقایع سمیرم نزدیک اصفهان اتفاق افتاد (همان، ص ۳۶).

۱۳. این کتاب در قالب دو اثر پیوسته به هم از ممتحن‌الوله و میرزا هاشم‌خان، در دو بازه زمانی مختلف از عمر وزارت خارجه چاپ شده است. با توجه به اینکه کتاب نقل و شرح حال رجال سیاسی آن دوره است، در این پژوهش از آن مختصری استفاده شده است.

۱۴. بنا به اسناد به‌جامانده احتمالاً نام دیگر این کتاب *فکار و عقاید* است که در آن ممتحن‌الدوله بعضی عقاید سیاسی خود را هم بیان کرده است.

۱۵. برای نمونه بنگرید به احوال نظام‌الدین غفاری مهندس‌الممالک که مهندسی معدن خواند و هم کشف معدن کرد و راه شوسه تهران - قم را مهندسی کرد؛ و هم عضو مجلس تحقیق وزارت عدلیه و رئیس دفتر اعظم بانک شاهنشاهی شد؛ و هم در جبر

و مقابله و هندسه کتاب نوشت (عاقلی ۱۳۸۰، ۱۰۵۲-۱۰۵۵). نمونه دیگر میرزا رضا مهندس‌باشی طراح دارالفنون است. او نیز مهندسی ساختمان خواند و در کنار کار مهندسی چندین تاریخ‌نامه ترجمه و دیوان سعدی را تصحیح کرده است (کریمیان ۱۳۸۰). میرزا جعفر مهندس‌باشی نیز چندی پیش از این‌ها، در زمان عباس‌میرزا برای تحصیل علوم مهندسی (قلعه‌سازی و توپخانه) به انگلیس اعزام شد و پس از بازگشت، علاوه بر کار مهندسی و تعلیم فنون ریاضی و مهندسی، مدتی سفیر ایران در عثمانی و بعداً در انگلیس شد و علاوه بر آن هم برای چندین مأموریت سیاسی به عثمانی و کشورهای اروپایی مأمور و در اواخر عمر به تولیت آستان قدس رضوی منصوب شد (همو ۱۳۸۵).

۱۶. «به خانه‌ای ورود نمودیم که چهار دیوار آن را کشیده بودند و قبل از شروع به ساختمان بایستی در کوچه و کریاس ساخته شود. استاد بنا به ما دو نفر عمله امر نمود که گل بسازیم و خود و شاگردش مشغول طراحی گشت که کریاس شش‌گوشه بنا نماید [...]». جناب استاد بنا مدت‌ها برای این طراحی و نقشه‌ریزی معطل بود. نزدیک به ظهر استاد فتحعلی نام معمار تشریف آورد و ایشان هم معطل ماند. این بنده [...] که این قبیل کارها را در سال اول مدرسه سائترال صنایع مرکزی پاریس دیده بودم، هر قدر به استاد معمار و بنا اصرار کردم که این کار را به من رجوع نماید، اعتنایی که نمی‌کرد سهل است، بدحرفی هم می‌نمود [...] از حسن اتفاق، صاحب خانه [...] وارد شد و استاد معمار را هدف ملامت نمود [...]. استاد بنا متعرضانه به سید صاحب خانه اظهار داشت که مقصود ما از این معطلی، کار صحیح کردن است و الا عمله‌های ما نیز از معمارهای این شهر بیشتر کاربرد هستند و فریاد زد: آی پسر خان شاهسون‌ها بیا این طراحی را انجام بده! بنده شرمنده فوراً کپه گل را کنار گذاشته، ریسمان کار بنایی را از استاد خود گرفته یک چپ و راست زده و [...]» (ممتحن‌الدوله شقاقی ۱۳۶۲، ۱۶۶-۱۶۷).

۱۷. «گاهی در میدان ارگ که مشغول ساختن حوض بزرگی بودند، مشی می‌کردم و قدم می‌زدم. روزی که حوض مذکور تمام شده بود و آب انداخته بودند [...] محمدتقی‌خان معمارباشی [را] دیدم به دور حوض حرکت می‌کند و استاد علی بابا معمار قمی دنبال سرش و یک تراز بسیار عالی در دستش می‌باشد و محمدتقی‌خان معمارباشی به او فحش می‌دهد و به لهجه ترکی می‌گوید: مردیکه من به تو اسباب فرنگی دادم که سنگ حوض را درست کار بگذاری، فردا که شاه می‌آید اگر ببیند سنگ‌ها پست و بلند است دستت را می‌برد پدروخته. و استاد علی بابا بیچاره می‌گوید: خان به کار بردن این اسباب را به من یاد بده تا من عمل کنم و الا سبک ایرانی «چشاب» گرفتن است که من گرفته‌ام غلط شده است. تقصیر بزرگی حوض است» (همان، ۱۷۱-۱۷۲).

۱۸. دهانه گنبدخانه مسجد سپهسالار حدود ۱۵ متر است؛ این در حالی است که گنبدخانه بناهای دیگر مانند مسجد جامع عباسی و بنای سلطانی به مراتب از این مقدار بزرگ‌تر است.

۱۹. برای نمونه دیگری از نقد این شخصیت‌های دوگانه، «معماری در دربار سلطان صاحبقران» را بخوانید که به داوری در خدمت و خیانت ناصرالدین‌شاه پرداخته است (نیک‌زاد و نظری ۱۳۸۶). نمونه دیگر میرزا ملکم‌خان است؛ شخصیتی نوگرا و تحول‌خواه که در خدمت و خیانتش نقل‌هاست. درباره او هم ر.ک: سهیلی‌خوانساری ۱۳۷۲.

۲۰. بعضی این وضع را ناشی از ظهور سیاستمداران و سپهسالاران جدیدی می‌دانند که در آشفته‌بازار دوره قاجار یک‌شبه ره صدساله رفته‌اند (شهرستانی ۱۳۹۸، ب، ۱۲۲-۱۲۵).

۲۱. همراهی خودبیگانگی با احساس ناامنی تأمل‌برانگیز است؛ چراکه با تغییر و تحولات یک‌شبه که از روزگار قاجار بسیار نقل شده، تطابق دارد. در جامعه‌ای که افراد یک‌شبه ره صدساله می‌روند، یک‌شبه سپهسالار می‌شوند و یک‌شبه از صدر به زیر می‌آیند، احساس عدم امنیت و همراه آن خودبیگانگی و کاهش سرمایه اجتماعی رخ می‌دهد. طبیعی است که در چنین وضعی شخصیت‌های تأثیرگذار بر جامعه هم، بیش از منافع جمعی، در پی تأمین جایگاه و نان و نام خود باشند. درباره این همبستگی ر.ک: نبوی، نواح، و امیرشیرزاد ۱۳۹۳، ۱۳۲.

۲۲. به بیان دیگر، این احوالی است که آن را در یک جامعه با دو مفهوم از خودبیگانگی و کاهش سرمایه اجتماعی تعبیر می‌کنند. سرمایه اجتماعی ماده خام جامعه مدنی و منبع کنش اجتماعی است که می‌تواند بسیاری از مشکلات جامعه را درمان و منافع جمعی را تأمین کند (جوادی ۱۳۹۵، ۸۳).

۲۳. این ویژگی در سایر تلاش‌های این دوره برای ترمیم اوضاع و همگام شدن با روند تغییرات در سطح دنیا قابل رصد است. در مقابل، با عدم رشد علوم انسانی، بنیان‌های دانش سیاست که از علوم انسانی سرچشمه می‌گیرد مسکوت می‌ماند (گلچین، توفیق،

و خورسندی (۱۳۹۰).

۲۴. نخستین درخواست تأمین اعتبار برای مرمت و تعمیر بنا در سال ۱۳۱۶ش (حدود ۶۰ سال بعد از ساخت) از سوی وزارت معارف و اوقاف داده شد. (وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه، ۱۳۱۶، «تقاضای تعمیر ساختمان مدرسه عالی سپهسالار»، گزارش وزارت معارف و اوقاف در خصوص تخریب و فرسودگی بنای تاریخی مدرسه عالی سپهسالار و تقاضای تخصیص اعتبار لازم جهت تکمیل تعمیر آن.)

۲۵. برای نمونه می‌توان به توصیف ممتحن‌الدوله از تراز فرنگی و ناتوانی استاد علی‌بابا معمار قمی در به کار بردن آن اشاره کرد (ممتحن‌الدوله شقاقی ۱۳۶۲، ۱۷۱-۱۷۲).

۲۶. اولین تلاش‌ها مربوط به تأسیس مهندس‌خانه (۱۲۶۰ق) و دارالفنون (۱۲۶۶ق) بود. مهندس‌خانه را میرزا جعفر مهندس‌باشی برای آموزش محاسب و مهندس تأسیس کرد و کتابی با عنوان *بدایع الحساب* برای آموزش ایشان، با اقتباس از کتب فرنگی، تألیف و تنظیم کرد (کریمیان ۱۳۸۵، ۸۰). دارالفنون هم عمدتاً بر آموزش نظام و داروسازی و پزشکی متمرکز بود. چندی بعد، در اواسط دوره ناصری، وزارت بنایی هم شکل گرفت؛ اما به رسم بسیاری از وزارتخانه‌های دوران ناصری و مظفری از نامی فراتر نرفت. این وزارت اصلاً «دیوانی بود که به تقلید، چند صباحی به این نام مزین شده بود» (سادات‌نژاد، یزدانی‌مقدم، و مختاری ۱۳۹۹، ۱۲۵).

۲۷. اولین نمونه ساخته و پرداخته آموزش‌ساز در ایران، پدید آمدن دانشگاه و ایجاد مدرسه‌ها یا دانشکده‌هایی مانند هنرهای زیباست که حدود نیم قرن بعد به صورت برگردان از مشابه فرانسوی شکل گرفت. نظام و سرفصل‌های دانشکده هنرهای زیبا، ترجمه برنامه درسی یوزار بود. سازوکارهای جدید اجرا مانند سازه‌های بتنی و فولادی هم از همین زمان وارد آموزش شد.

۲۸. «با اینکه تقریباً شش سال بود کتابی از علوم خوانده‌شده نگشوده و خیالی و نقشه‌ای به روی کاغذ در مورد طراحی بنا و ساختمان نکرده بودم، با این حال اظهار اطاعت نمودم و فردای آن روز کاغذ طراحی و اسباب و لوازم نقشه‌کشی آماده نموده به محل ساختمان رفته، مشغول نقشه‌برداری از میدان ارگ شدم [...]» (ممتحن‌الدوله شقاقی ۱۳۶۵، ۲۳۹-۲۴۰).

۲۹. «بر هوشمندان و خردبینان پوشیده نباشد که در این مدت انقلابات چندساله ایران به جای اینکه در این مملکت مثل سایر ممالک متمدنه دنیا، انقلاب اسباب ظهور مردمان بزرگ گردد، [...] بدیختانه در مملکت ما [...] منجر] به تغییر هیكل و لباس اهالی شد. چنان‌که اگر ناظری در خیابان لاله‌زار طرف عصری ایستاده دقیق شود، به‌ندرت تواند مسلم را از افراد ملل متنوعه تشخیص دهد. [...] فرنگی‌مآبی صوری چقدرها در ترقی است. اقل در هر ماه صد هزار فوکل و کراوات داخل در بیع و شرا گردیده، دیگر [...] از کثافت و نجاست آلودگی اتاق‌ها و سالن‌های حتی محاضر علمای اعلام سخن به میان نمی‌آورم. [...] لباس شرط دین‌داری نباشد. ای کاش این جدیت در تغییر صورت بی‌معنی، قدری عصبیت ملی را به هیجان آورده در تهذیب اخلاق به خرج می‌رفت و پیروی از اعمال و افعال و قوانین پیشوای مذهب اسلام می‌شد [...] یا اقلاً فرنگی‌مآب صرف می‌شدیم» (همان، ۱۱-۹).

۳۰. «[...] اظهر من الشمس است که تمامی سلطنت و عظمت و قدرت بدو در این ملک تولید گشته و در این مهد پرورش یافته است. مبدأ تربیت از این صفحه و منشأ جلال از این قطعه و تربت است [...] ایران منبع علوم یونانیان و مصریان و چشمه تمدن و تربیت اروپاییان بوده است [...]» و «اهالی مملکت ایران [...] در دلاوری و تهوور رجحان بر عموم اهالی گره داشتند و اگر آن‌ها را به تحت قانون نظامی حالیه اروپا آورند می‌توان گفت که تمام دنیا را از به کار بردن آن‌ها به چنگ آورند و با این وضع حالیه بعید نیست که یک فوج ایرانی [...] چندین فوج اروپایی را مدت‌ها می‌توانند معطل کنند» (همو بی‌تا، ۲۸۱، ۲۸۲ و ۲۸۸).

۳۱. «به راهنمایی مرحوم حسنعلی‌خان امیرنظام گروسی از بنده دعوت نمود که طرحی شبیه به راه‌پله‌های عمارت سلطنتی بوکینگهام پالّه لندن کشیده و به آن‌ها ارائه دهم. من هم چون آن کاخ سلطنتی معظم لندن را دیده بودم، نقشه را کشیده، دادم. بسیار بسیار مورد قبول و پسند افتاد و [...] هرکدام جداگانه مرا مورد لطف قرار دادند و به تشکر از اینکه عقیده ایشان در مورد ساختمان پیشرفت نموده بود، یک طاقه شال و صد تومان نقد به من داد» (همو ۱۳۶۲، ۲۸۲-۲۸۳).

## منابع

- الهی، امیرسعید. ۱۳۸۱. مآثر مهدیه: نخستین اثر فارسی در قواعد دیپلماسی و حقوق بین‌الملل. کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، ش. ۵۴ و ۵۵: ۱۴-۱۸.



- انوار، عبدالله. ۱۳۸۵. باغ سردار (از مباحث تهران شناسی). پیام بهارستان، ش. ۶۵: ۳۱-۱۶.
- انوری، امیر هوشنگ، و زهرا احمدی. ۱۳۹۳. جغرافیای تاریخی سیاسی بهارستان و پیرامون آن. اسناد بهارستان، ش. ۴: ۳۲-۹.
- بانی مسعود، امیر. ۱۳۹۱. معماری معاصر ایران در تکاپوی بین سنت و مدرنیته. تهران: هنر معماری قرن.
- پارسی، فرامرز. ۲۰۱۹. مسجدمدرسه سپهسالار. مهندسین مشهور اور عمارت خورشید. <https://www.emaratkhor.com/shid.com> (دسترسی در ۳۱ اردیبهشت ۱۴۰۱).
- جوادی، ریحانه. ۱۳۹۵. جستارهایی در ایران. تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- چیت‌سازیان، امیرحسین، و محمد رحیمی. ۱۳۹۱. تأثیر سیاست در هنر پیکره‌نگاری دوره قاجار. مطالعات ایرانی ۱۱ (۲۱): ۶۹-۹۰.
- حاجی قاسمی، کامبیز. ۱۳۷۵. گنجنامه (دفتر دوم: مساجد اصفهان). تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- \_\_\_\_\_ . ۱۳۷۷. گنجنامه (دفتر سوم: بناهای مذهبی تهران). تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- \_\_\_\_\_ . ۱۳۸۳. گنجنامه (دفتر هفتم: مساجد جامع). تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- خاتم، اعظم. ۱۳۹۳. حصار تهران، تجدد و مدرن‌سازی شهری در عصر مشروطه. گفتگو، ش. ۶۴: ۲۳-۵۶.
- دامغانی، محمدتقی. ۱۳۸۳. عدلیه ما، صد سال پیش از این (یادی از میرزا حسین خان سپهسالار). یاد، ش. ۷۱ و ۷۲: ۲۹۲-۳۰۲.
- سادات‌نژاد، سیده فاطمه، سهراب یزدانی‌مقدم، و محمدتقی مختاری. ۱۳۹۹. بررسی روند تغییر نهاد وزارت و ایجاد وزارتخانه‌های جدید در جریان انقلاب مشروطه ایران. تاریخ ایران ۱۳ (۱): ۱۲۱-۱۴۱.
- سجاذاده، حسن، رحمت دریایی، محمدحسین ابراهیمی، و سارا مصری. ۱۳۹۴. پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران، ش. ۱۴: ۲۲۱-۲۴۰.
- سهیلی خوانساری، احمد. ۱۳۷۲. اسناد و مدارک: نامه ملک‌خان به میرزا حسین خان سپهسالار. آینده ۱۹ (۱): ۱۲۴-۱۳۲.
- شقاقی، میرزا رضاقلی خان. ۱۴۱۲ق. یادگار پدر. به کوشش میرزا مهدی خان شقاقی ممتحن‌الدوله. بی‌جا.
- شهرستانی، سیدحسین. ۱۳۹۸الف. هنگامه سیاسی هنر. بیاب، ش. ۲۹: ۴-۱۱.
- \_\_\_\_\_ . ۱۳۹۸ب. معماران سیاست و معماران ابنیه: رابطه تاریخی معماری، سیاست و قروت در باغ بهارستان. بیاب، ش. ۲۹: ۱۲۰-۱۲۵.
- عاقلی، باقر. ۱۳۸۰. شرح حال رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران. ج. ۳، ج. ۲. تهران: گفتار، علم.
- قبادیان، وحید. ۱۳۹۴. سبک‌شناسی و مبانی نظری در معماری معاصر ایران. تهران: علم معمار رویال.
- کاشانی ثابت، فیروزه. ۱۳۷۷. جغرافیای وطن. گفتگو، ش. ۲۱: ۱۵-۲۳.
- کریمیان، علی. ۱۳۸۰. میرزا رضا مهندس‌باشی از نخستین مهندسان ایرانی در عصر قاجار. گنجینه اسناد، ش. ۴۴: ۴۴-۵۵.
- \_\_\_\_\_ . ۱۳۸۵. میرزا جعفر مهندس‌باشی از پیشگامان مهندسی نوین در ایران. گنجینه اسناد، ش. ۶۳: ۷۳-۹۶.
- کلهر، محمد و حمیدرضا شاه‌آبادی. ۱۳۹۱. میرزا مهدی خان ممتحن‌الدوله و مدرسه علوم سیاسی. مسکویه ۷ (۲۰): ۳۳-۵۲.
- گلچین، مسعود، ابراهیم توفیق، و زهره خورشیدی. ۱۳۹۰. تحلیل گفتمان روشنفکران ایرانی درباره علوم جدید (از تأسیس دارالفنون تا تأسیس دانشگاه تهران). مسائل اجتماعی ایران ۲ (۱): ۷۵-۱۰۶.
- ممتحن‌الدوله شقاقی، میرزا مهدی خان. ۱۳۶۲. خاطرات ممتحن‌الدوله. به کوشش حسینقلی خان شقاقی. تهران: امیرکبیر.
- \_\_\_\_\_ . ۱۳۷۹. مآثر مهدیه (در تاریخچه تشکیل وزارت امور خارجه و اصول نوین در روابط بین‌الملل). تهران: وزارت امور خارجه.
- \_\_\_\_\_ . بی‌تا. مآثر مهدیه. نسخه خطی کتابخانه ملی. تهران: مرکز اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی.
- \_\_\_\_\_ . ۱۳۶۵. رجال وزارت خارجه در عصر ناصری و مظفری. تصحیح ایرج افشار. تهران: اساطیر.
- نبوی، عبدالحسین، عبدالرضا نواح، و نرگس امیرشیرزاد. ۱۳۹۳. بررسی عوامل مؤثر بر بی‌تفاوتی اجتماعی (مورد مطالعه: شهروندان ۱۸ سال به بالای شهر دزفول). جامعه‌شناسی ایران ۱۵ (۳): ۱۳۲-۱۶۱.
- نوری، حسین. ۱۳۸۳. خوب یا بد سپهسالار. زمانه. ۲۸.
- نیک‌زاد، ذات‌الله، و فرهاد نظری. ۱۳۸۶. معماری در دربار سلطان صاحب‌قران. گلستان هنر، ش. ۹: ۲۶-۵۱.

- Braun, V. and Clarke, V. 2006. Using Thematic Analysis in Psychology. *Qualitative Research in Psychology* 3 (2): 77-101.
- Vaismoradi, Mojtaba, Hannele Turunen, and Terese Bondas. 2013. Content Analysis and Thematic Analysis: Implications for Conducting a Qualitative Descriptive Study. *Nursing and Health Science*. Wiley Publishing Asia Pty Ltd. (15): 398-405.
- Archnet. N.d. Constantinople, Mosquée de Sultan Ahmed. <https://www.archnet.org/sites/2026>. (accessed April 4, 2023).



پروپوزیشن گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

مطالعات معماری ایران

دو فصلنامه معماری ایرانی  
شماره ۲۲ - پاییز و زمستان ۱۴۰۱

۲۶۹

## ■ Architecture and Politics in the Qajar Era through Two Written Works of Momtahn al-Dawlah

---

**Mohammad Mahdi Abdollah-zadeh**

Assistant Professor, Department of Architecture & Urban Planning, Technical & Vocational University, Tehran

Known as Momtahn al-Dowlah, Mirza Mahdi Khān Shaqāqi was an engineer and politician of the Qajar era. He has two written works titled *Khātirāt-e-Momtahn* (Memoirs of Momtahn) and *Ma'āsir-i Mahdīeh* (admirable works of Mahdī), one of which is his autobiography and the other is a well-known book in the field of foreign policy. His architectural activities and political position besides the contents of his two works provide a great opportunity to get a better understanding of the Qajar era. Although this study is restricted to Shaqāqi's works and activities and may not be generalizable to the whole society during the Qajar period, it represents the era from a specific viewpoint. The study revolves around architecture and politics, which are two areas of human social life that are manifestations of consciousness and human will. They are interrelated, and studying them can better reveal the state of society. Therefore, the purpose of this research is to investigate the architecture and politics during the life of Momtahn al-Dowlah through his works to get a better understanding of Iranian society during that period. This review is based on the two written works of Mirza Mahdi Khān Shaqāqi. The research method is thematic analysis. The results show the characteristics and conditions of the society during that period; namely innovation and imitation, patriotism and loss of trust and social capital, imitation of the West and dissatisfaction with it, and favor and treason. These characteristics, as a whole, indicate an internal contradiction and conflict from the viewpoint of Momtahn al-Dowlah. The article is arranged in four parts. After the introduction, Momtahn al-Dowlah and his two written works are introduced. In the third part, which is the main part of the article, the content and themes of the two works are discussed and the characteristics that can be extracted from the architectural and political conditions are explained and finally summarized in the fourth part.

**Keywords:** architecture, politics, Qajar, Mirza Mahdi Khān Shaqāqi, Momtahn al-Dowlah, *Khātirāt*, *Ma'āsir-i-Mahdīeh*